

○ پیوند:

سال پر عزت و افتخار حسینی را سپری می‌کنیم، ماهی که پشت سر نهادیم قلب‌ها صیقل خورد و رمضان آیین دل‌ها را مصفا کرد و پایان رمضان، قلب‌ها قابلیت خاصی برای قبول محرم و عاشورا پیدا نمود و این پیوند رمضان و محرم، حقیقتی است که در قرآن کریم درخشش ویژه‌ای دارد. اکنون گذری کوتاه بر مطالب پیش داریم و سپس به ادامه نوشتار خواهیم پرداخت.

○ گذری بر آیات شناختی ناریان و نوریان:

قیام پایدار عاشورا، ریشه‌های عمیقی در کتاب جاودانه وحی، قرآن کریم دارد و پشت‌صحنه حرکت‌های عاشورایی به رهبری‌های امام حسین(ع)، بسیاری از آیات جاودانه وحی است.

(۱) نمازگزاران از خدا چه می‌خواهند؟

«... صراط الذین انعمت علیهم...» ما را به راه کسانی که به آنها انعام کرده‌ای هدایت نما.^۱

این انعام‌شدگان همان کسانی هستند که خدا فرموده هر کسی از خدا و رسول(ص) اطاعت کند در زمره کسانی درمی‌آید، که خداوند آنان را مشمول انعام خود کرده است.

این انعام‌شدگان از میان انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین هستند (و حسن اولئک رفیقاً) و ما در هر نماز از خدا می‌خواهیم که ما را به راه انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین رهنمون شود.^۲

(۲) نه به راه غضب‌زدگان «... غیر المغضوب علیهم...»^۳

از خدا می‌خواهیم ما را از راه کسانی که غضب‌زدگان و مستوجب غضب تو شده‌اند دوردار.

که این غضب‌زدگان می‌توانند یهودیان چموش در عصر نزول باشند یا هر کس که خدا بر آن غضب می‌کند.

«كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.»^۴

غضب و خشم بزرگی است که شما آنچه را تصمیم انجامش را ندارید، به دیگران بگوئید.

(۳) چرا مفسد و سفاک می‌آفرینی؟

- فرشتگان گفتند: موجود مفسد و سفاک می‌آفرینی؟^۵ خداوند فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید سپاه خون‌ریز عمر سعد، مصداق روشن گروهی هستند که فرشتگان به آن اشاره کردند.

(۴) این سوی را نگاه کنید.

«... و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم علی الملائكة.»^۶

و خداوند همه حقایق عالم را به آدم آموخت و آن حقایق والا که خدا به آدم (ع) آموخت، بالاتر از آنها نزد امام حسین (ع) است که مقامش برتر از مقام حضرت آدم (ع) است. چرا که حضرت، بر سکوی امامت و عصمت که سکوی دوم بعد از سکوی نبی اکرم (ص) است قرار داشت. بر سکوی دوم ائمه معصومین و حضرت زهرا (س) هستند و بر سکوی سوم انبیاء، عظام حضور دارند.

۵) اگر تسلیم شوی، با تو کاری ندارند.

«... و لن ترضی عنک الیهود و لا النصارى حتى تتبع ملتهم.»^۷

خداوند به نبی اکرم (ص) می‌فرماید: یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه تابع ملت آنها شوی.

ماجرای عاشورا هم به همین شکل بود؛ اگر امام حسین (ع) از یزید تبعیت می‌کرد، ماجرای عاشورا هرگز اتفاق نمی‌افتاد و حضرت اباعبدالله الحسین (ع) پایداری تا پای دار و عزت ایمانی و اتصال به صمیمیت خدا را در عاشورا، تحقق بخشید.

۶) آزمونی بالاتر از آزمون ابراهیم (ع):

«... و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه.»^۸

خداوند می‌فرماید: با کلماتی ابراهیم را آزموده‌ایم و او هم از آزمون موفق بیرون آمد. و آزمون‌هایی که از حضرت حسین بن علی (ع) و اصحاب عاشورایی همراه او به عمل آمد به مراتب سخت‌تر از آزمون ابراهیم (ع) بود و امام حسین (ع) و یاران باوفای او از میدان سرافراز بیرون آمدند.

۷) پیشتازی و پیش‌دستی:

«... فاستبقوا الخیرات...» سعی کنید در خیرات بر هم سبقت بگیرید.^۹

مسابقه‌ای مثبت و ارزشمند برای رسیدن به ستیغ بلند خوبی‌ها است. در عاشورا این سبقت تحقق داشته و هر کدام بر دیگری برای فتح قله شهادت سبقت می‌گرفتند. شهادت‌آبزاری است که نظیر ندارد و در هیچ کارخانه قابل ساختن نیست. مؤمن در کار بزرگ‌شهادت با حربه استشهاد و شهادت‌طلبی، عزت می‌آفریند. بسان چیزی که در فلسطین اشغالی در حال اتفاق افتاده است و هر روز شاهد آنیم.

۸) صبر و صلاه استمرار بخش حیات معنوی:

«... یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاه...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک بگیرید.» نکته لطیفی که در این شماره نوشتیم این بود که خداوند می‌فرماید از صبر کمک بگیرید یعنی اگر از صبر کم می‌آوردید از صبر کمک بگیرید. یعنی صبر را باید تمرین کرد و در عاشورا این فرهنگ تحقق یافت و همچنین نماز عاشورایی، نماز شب عاشورا و کمک گرفتن از نماز و کمک از امساک و به حداقل، اکتفا کردن و بردباری تا رسیدن به لحظه‌های شهادت، اموری است که در کربلا درخشش ویژه‌ای دارد.

«... ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه ...»

خداوند بر قلبهایشان و بر گوششان مهر زده و بر چشمانشان پرده‌ای است. انسانهایی هستند که در اثر گناهان فراوان و حرام‌خواری قلبشان از قابلیت می‌افتد و خداوند بر قلب آنها مهر زده است قابلیت برای راه‌یابی و رسیدن به صراط مستقیم الهی آنها به صفر خواهد رسید. و اما دنباله سخن :

۱۰) زندگان راستین :

«... و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون.»

«به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، اموات نگوئید (مردگان)، بلکه اینان زندگان هستند و شما احساس نمی‌کنید.» در فضل شهادت و بلند بودن جایگاه رفیع شهادت، امت، فراوان خوانده، شنیده، دیده و در آن وادی قدم برداشته و ملت ما معروف به اهداء شهید در راه خداست و رقم بالای شهدای ما و جانبازان ما و خانواده معظم شهدا حکایتگر این مطلب است.

شهید شمع تاریخ است، چیزی از جامعه نمی‌گیرد ولی می‌سوزد و شبستان‌ها را روشن می‌دهد. در روایات آمده است : بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا انسان به شهادت برسد که دیگر بالاتر از آن نیکی وجود ندارد. در فضل شهادت همین بس که هرکسی کار عظیمی انجام می‌دهد، گاه برای خشنود کردن او بشارت می‌دهند که کار تو معادل با کار شهید است. منتظران راستین ظهور حجه ابن الحسن (ع) اگر انتظارشان با لوازم انتظارقرین باشد مانند کسانی هستند که در رکاب امام عصر (ع) به خون خود می‌غلتنند امام حسین (ع) سمیل شهادت است، سمیل از خود گذشتن، سمیل فانی فی الله است. او در رأس عاشقان شهید عالم بعد از امام علی بن ابی طالب (ع) است. در باغ شهادت در کربلا گشوده شد و درهای عروج به سمت آسمان بازگردید تا به همه مسلمین جهادگر اتمام حجت شود که هیچ عذری برای جهاد و جانبازی پذیرفته نیست. این کار بزرگ حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفای اوست. در کربلا کودک فدا می‌شود، نوجوان و جوان نثار و تقدیم می‌گردد، پیرمردان سیاه چهره به خون سرخ می‌غلتنند و زنان به شهادت می‌رسند و کودکان شلاق می‌خورند و سر بالای نی می‌رود، آنجا خیمه‌های عترت به آتش کشیده می‌شود. در آنجا پایداری، پیام‌رسانی، عزت‌مداری و کرامت‌مداری به اوج می‌رسد.

○ «و نفخت فیه من روحی ...»

با اینکه همه انسان‌ها از دنیا می‌روند وارد عالم برزخ می‌شوند و روح آنها حیاتی دیگر را آغاز می‌کند، ولی خداوند می‌گوید : (بل احياء ... شهیدان زنده‌اند.) معلوم می‌شود این زنده‌بودن خاصی است، مثل دمیدن روح در انسان، که خداوند فرموده : از روح خودم در آن دمیدم، نه اینکه (بلا تشبیه)، خداوند مثل ما روح داشته باشد، بلکه این اضافه شدن روح، به «من» اضافه تشریفی است و خداوند می‌خواهد

به این روح خاص، شرافت ویژه‌ای عنایت کند؛ مثل تعبیر «جنتی» و «عبادی»، در آیات انتهای سوره فجر ۱۲، چرا که همه انسان‌ها، بندگان خدا هستند ولی خداوند خواص را می‌فرماید بندگان من (عبادی) و همه بهشت‌های قیامت‌تعلق به خداوند دارد، ولی به نفس مطمئنه می‌گوید:

«وارد بهشت من شو.»

۱۱) قلب‌های قساوت زده:

«... ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فہی کالحجارہ أو أشد قسوہ ...»^{۱۲}

«آن‌گاه قلب‌هاشان بعد از این ماجرا قساوت یافت مانند سنگ یا سخت‌تر از سنگ.»

- قرآن کریم، قساوت را ضد شرح صدر می‌داند (تعرف الاشیاء باضدادها) گاهی بعضی از حقایق را با ضد خودشان می‌شود شناخت. شما اگر خوب «شرح» را بشناسید، قساوت که ضد آن است را خوب خواهید شناخت.

... شرح صدر یعنی توسعه سینه آدمی، توسعه قفسه سینه آدمی، کنایه از توسعه قلب صنوبری و توسعه قلب صنوبری شاید کنایه از قلب روح باشد. و شرح صدر، به عبارتی یعنی پذیرش دریائی، پذیرش حقیقت و پذیرش نیش و نوش‌ها و از مدار خارج نشدن.

«... أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسیة قلوبہم عن ذکر الله.»^{۱۳}

از این آیه بدست می‌آید که شرح صدر ضد قساوت قلب است.

قساوت قلب یعنی شرح صدر نباشد، یعنی آن سان قلب آدمی محدود بشود و مدارش بسته شود که جائی برای نور حق نماند.

در فرهنگ عامیانه، قساوت قلب معادل با سنگ‌دلی است و این بخشی از تمامیت قساوت قلب است. از جمله ویژگی‌های دیگر انسان قسی‌القلب را می‌توان، بی‌عاطفگی، نداشتن توسعه و شرح صدر، نداشتن پیوند و ارتباط صمیمانه با دیگران، برشمرد. خداوند به بنی اسرائیلی‌ها می‌فرماید: شما آیات خداوند را دیدید ولی دست حق را بریدید و آن را در هم شکستید و بی‌حرمتی کردید و آزمونهایی که به انجام آن دستور داده بودیم را انجام ندادید پس قلب‌هایتان را قساوت گرفت و مثل سنگ شد و حتی سخت‌تر از سنگ.

در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «وان من الحجارہ لما یتفجر منه الانہار ...»^{۱۴}

بسیاری از صخره‌ها به جریان ضعیف آب بستر می‌دهند و برخی از صخره‌ها شکاف برمی‌دارند و آب روان از آنها جاری می‌گردد ولی بعضی از قلب‌ها سخت‌تر از سنگ‌ها و صخره‌ها و مملو از قساوت می‌باشند.

○ قساوت و شرح صدر در آیینۀ عاشورا:

وقتی همزمان به بررسی جبهه ظلمت و تاریکی و جبهه نور و به عبارتی جبهه حضرت حسین بن علی(ع) و جبهه یزید بن معاویه(ل) می پردازیم به جاست که برای عبرت گرفتن و مصون ماندن از خطرات آخرالزمان همه آیات مربوط به هر دو گروه را شناسائی کنیم. منظور از طرح «قلب های قساوت زده» شناساندن جبهه یزید و یزیدیان در طول تاریخ است.

... وقتی حضرت حسین بن علی(ع) با سخنان ظریف، لطیف، شیوا و تأثیرگذار، قلوب سپاه یزیدی را نشانه رفته بود و حجت خدا با سخنان دلسوزانه و جملات آسمانی و فریادهای هشدار دهنده آنها را به هدایت و نجات راهنمایی می کرد، آنها همه می کردند، بسطربلها می کوفتند و توجهی به سخنان اباعبدالله الحسین(ع) نمی نمودند.

حضرت فرمودند: می دانم مشکل شما چیست. شما حرام خواری کرده اید، در این دلها و شکمها لقمه شبیه ناک وارد شده، لقمه آلوده وارد شده، شما شکم باره هستید، شما گوشستان، گوش راستین و صادق نیست. باز همه می کردند و می گفتند: ای حسین بس کن هوا گرم است. ۱۶.

اینکه پذیرش آنهم از معصوم(ع) به صفر رسیده، یعنی قساوت قلب.

... وقتی انسان امام عصر(ع) خود را تنها بگذارد، قساوت پیدا می کند.

شیرخواره حضرت اباعبدالله الحسین(ع) یک غنچه نشکفته با رخساره زرد و لبهای قاچ خورده از عطش:

چه فم شد تا ببوسد طفل خود را

گلویش تیر قبل از وی ببوسید^{۱۷}

امام حسین(ع) می آیند بوسه بزنند، می بینند بچه دست و پا می زند، نگاه می کنند، گوش تا گوش گلوی اصغر بریده شده است. کدامین قوم چنین کردند؟ در بین این قوم شبث بن ربیع و حجار بن ابجرها بودند که متأسفانه با قرآن هم انس داشتند، پشت کردن و بریدن از ولایت و امامت معصوم(ع) علی رغم انس با قرآن باعث قساوت قلب می شود به گونه ای که حتی شیرخواره را هم می کشد.

عشق دنیا بی گمان اصغرکش است

این تعلق هر کجا باورکش است

قاتل مریت و دین است و بس

مادر هر فتنه ای این است و بس^{۱۸}

... نقطه مقابل آن قساوت زدگان، سینه گشادگان و شرح صدر داران حسینی هستند.

دل سوادگران شوری دگر داشت

صفای دیگری شام و سمر داشت

مگر فردا در آن وادی چه می رفت

که گیتی از هتاه شب مذر داشت

تاریخ از توصیف یاران باصفا، صبور و سینه گشاده حسین بن علی (ع) عاجز مانده است.^{۱۹}

شاهها من از به عرش رسانم سریر فضل

مملوک این جنابم و ممتاع این دره

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر

این مهر بر که افکنم، این دل کجا بره^{۲۰}

۱۲- مواد آزمون :

«... و لنبلونکم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين.^{۲۱} قطعاً شما را با سختی‌هایی همچون ترس، گرسنگی، کاستی اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم و بشارت و مزده آسایش از آن سختی‌ها، ویژه استقامت‌ورزان و بردباران است.

خداوند متعال فرموده است: «أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا و هم لا یفتنون»^{۲۲} آیا مردم فکر می‌کنند به صرف اینکه بگویند «ایمان آوردیم» رهایشان می‌کنیم و بر این دعوی آن‌ها را آزمایش نخواهیم کرد.

سنت آزمون از سنت‌های پایدار الهی است، نه برای اینکه بر نتیجه آزمون آگاه گردد، بلکه به دلیل اینکه انسان برای این آزمون‌ها بسیج شود و استعداد‌های او بروز کند و در نتیجه خوبان مستوجب پاداش عظیم خدا بشوند و پشت‌کردگان به نور، مستوجب نار.

- بررسی مواد آزمون خداوند :

اول: خوف - ترس :

این آزمایش جنبه روحی و روانی دارد.

انسان‌ها نوعاً در صحنه زندگی، صحنه‌های رعب‌زائی دارند، گاهی دشمنان تهدید می‌کنند، گاهی بحث رفتن به جهاد مطرح می‌شود، گاهی حقوقی مطرح می‌شود، ترس از موقعیت، ترس از آسیب دیدن، ترس از رفتن آبرو، ترس از دست دادن مال. اگر دقت کنیم در «من الخوف»^{۲۳} خداوند فرموده ترس از چه و این ترس شامل همه ترس‌ها و واهمه‌های انسانی می‌شود.

در کربلا، این آزمایش تحقق یافت، یکصد نفر در مقابل سپاه هزار نفری دشمن که تمام‌دشت و ساحل فرات را پر کرده است. اما در کنار زن و کودک خردسال و بزرگسال، مجاهدانی پایدار و شجاع ایستاده بودند که با هم شوخی می‌کردند و یکتنه به جنگ یک سپاه‌بزرگ می‌رفتند. قاسم بن حسن، علی اکبر، عباس بن علی (ع) به قلب سپاه دشمن می‌زدند و آنها را از اطراف خیام و یا شریعه فرات به کنار می‌زدند.

دوم: جوع - گرسنگی:

این آزمایش جنبه جسمانی دارد.

انسان‌ها پایدارند تا آنجا که گرسنه نشده‌اند. تا آنجا مقاومت می‌کنند که ضعف ناشی از گرسنگی بر آنها غلبه نکرده، اما همین که گرسنگی رخ نمود بسه خاطر نان، ایمان می‌دهند. ولی انسان مؤمن می‌ایستد و مقاومت می‌کند و این معنا در کربلا تحقق یافت. در تاریخ دیده‌ام که اهل بیت عصمت و طهارت در کربلا و حتی بعد از شهادت امام حسین(ع) مدت‌ها گرسنه بودند و گرسنگی کشیدند و تشنگی را تحمل نمودند.

سوم: کاستی در اموال:

انسان‌ها در گذر زمان اموالی را کسب و به آنها دلبستگی پیدا می‌کنند. اگر انسان طالب سعادت پایدار آخرت می‌باشد، باید نقص در اموال را بپذیرد، نمی‌شود انسان هم طالب بهشت باشد و هم به سرمایه او دست نخورد. حضرت خدیجه، سلام الله علیها، تمامی اموالش را در اختیار پیامبر اکرم(ص) برای پیشبرد اسلام گذاشت و امام علی و امام حسن و امام حسین به کمک‌رسانی و انفاق و امداد افتادگان شهرت داشتند و امام حسن(ع) چندین نوبت اموالش را با فقرا تقسیم نمودند.

چهارم: کاستی در نفوس و ثمرات:

انسان‌ها عموماً از مرگ می‌هراسند، اما مؤمنان در راه خدا از ایثار جان خود دریغ‌ناشته و به جانبازی می‌پرداختند. منظور از کاستی در ثمرات شاید میوه دل باشد (فرزندان - نور چشمان - ثمره فوادی) و در کربلا این موضوع محقق شد. حضرت اباعبدالله الحسین(ع) دل‌بندان خود و میوه‌های خود را فدای اسلام و قرآن می‌کند.

علی اصغر، علی اکبر(ع)، چهار برادر که در رأس آنها عباس بن علی(ع) است، فرزندان امام حسن مجتبی(ع) فرزندان خواهرش زینب سلام الله علیها و سایر خویشان و یاران خویش را می‌دهد، اینها ثمرات است.

پی‌نوشتها:

- | | |
|---|-----------------------------|
| (۱) سوره حمد، آیه ۷ | (۲) سوره نساء، آیه ۶۹ |
| (۳) سوره حمد، آیه ۷ | (۴) سوره صف، آیه ۳ |
| (۵) سوره بقره، آیه ۳۰ | (۶) سوره بقره، آیه ۳۱ |
| (۷) سوره بقره، آیه ۱۲۰ | (۸) سوره بقره، آیه ۱۲۴ |
| (۹) سوره بقره، آیه ۱۴۸ | (۱۰) سوره بقره، آیه ۷ |
| (۱۱) سوره بقره، آیه ۱۵۴ | (۱۲) سوره فجر، آیات ۲۹ و ۳۰ |
| (۱۳) سوره بقره، آیه ۷۴ | (۱۴) سوره زمر، آیه ۲۲ |
| (۱۵) سوره بقره، آیه ۷۴ | (۱۶) تاریخ قیام حسینی(ع) |
| (۱۷) همسایه آفتاب، اثر علی رهبر(۱۸) همسایه آفتاب، اثر نگارنده | |
| (۱۹) همسایه آفتاب، اثر نگارنده | (۲۰) دیوان حافظ |
| (۲۱) سوره بقره، آیه ۱۵۵ | (۲۲) سوره عنکبوت، آیه ۲ |